

## نویسنده کتاب «الیاقوت» حیدر عبدالمناف بیاتی

### بحث عن شخصية مؤلف كتاب الياقوت

يعد مؤلف كتاب الياقوت من رجال الشيعة الذين يكتف الغموض العديد من جوانب سيرته الذاتية، ولا يتفق المؤرخون إلا على جانب واحد منها وهو انتسابه إلى أسرة النوبختي وأن لقبه هو ابن نوبخت. يسمى كاتب المقال إلى دراسة ومناقشة آراء المؤرخين حول هذا الموضوع، فينظر إلى آراء المؤرخين حول مكانة وأهمية مؤلف الياقوت واسمه والعصر الذي عاش فيه، ثم يخلص إلى ما يراه ناسبا منها.

يرى الكاتب أن المؤلف هو إبراهيم بن نوبخت، وأن حياته كانت في النصف الثاني من القرن الرابع والنصف الأول من القرن الخامس. ثم يتناول بالتعريف كتابي المؤلف وهما الابتهاج والياقوت في علم الكلام.

أما النقاط الأخرى التي يتضمنها هذا المقال فهي بحث حول اسم الكتاب، الشروح المكتوبة عليه، ترتيب مطالبه والنسخة المطبوعة منه. وفي نهاية المقال يستعرض الكاتب أهم عناوين الكتاب.

**چکیده:** نویسنده کتاب الیاقوت، یکی از شخصیت‌های شیعی است که اطلاعات قطعی درباره زندگی ایشان وجود ندارد. تنها مطلب مورد اتفاق مورخان درباره او این است که وی از خاندان نوبختی و لقبش ابن نوبخت است. نویسنده مقاله سعی در نقد و بررسی دیدگاه‌های مورخان در این مورد دارد. مقام و منزلت نویسنده الیاقوت، نقد و بررسی دیدگاه مورخان در خصوص نام و زمان نویسنده کتاب الیاقوت و ارائه نظر برگزیده در این گفتار آمده است. به نظر نویسنده مقاله، نویسنده کتاب الیاقوت، ابراهیم بن نوبخت است که بین نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم می‌زیسته است. در ادامه، دو کتاب او یعنی کتاب «الابتهاج» و «الیاقوت فی علم الکلام» را معرفی می‌نماید. از جمله نکات دیگر این مقاله نکاتی در مورد نام کتاب، شرح‌های نوشته شده بر کتاب، ترتیب مطالب کتاب و نسخه چاپ شده آن است. در پایان نیز مهم‌ترین مطالب کتاب را بر شمرده است.

**کلید واژه:** الیاقوت، (کتاب)؛ ابن نوبخت، ابراهیم؛ ابن نوبخت؛ زندگی‌نامه؛ متکلمان شیعه قرن چهارم و پنجم.

در فراز و نشیب تاریخ افراد فراوانی به چشم می‌خورند که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفتند، حتی یک گزارش کوتاه در کتب تراجم از آنان نمی‌توان یافت، از جمله آن افراد، نویسنده کتاب الیاقوت می‌باشد، تنها مطلب مورد اتفاق مورخین درباره او این است که او از خاندان نوبختی و لقبش «ابن نوبخت» است، اما اطلاعات قطعی و مورد اتفاق درباره نام، تاریخ تولد و وفات، محل زندگی و سایر مشخصات ایشان وجود ندارد، و تا قبل از زمان علامه حلی (م ۷۲۶) هیچ گزارشی از او در دست نیست<sup>۱</sup>، به همین دلیل نظرهای متعددی درباره زمان زندگی و نام او وجود دارد، در این مقاله به نقد و بررسی این دیدگاه‌ها می‌پردازیم، تا گامی در معرفی این شخصیت شیعی برداشته باشیم.

### مقام و منزلت نویسنده الیاقوت:

نویسنده الیاقوت از مقام و منزلت رفیعی در میان علمای شیعه برخوردار بود. این امر را می‌توان از وصف علامه حلی از او در مقدمه شرح بر یاقوت استنباط کرد:

وقد صنف شیخنا الأقدم وإمامنا الأعظم أبو اسحاق إبراهيم ابن نوبخت - قدس الله روحه الزكية ونفسه العلية - مختصراً سماء الیاقوت.<sup>۲</sup>

همچنین او را هم ردیف سید مرتضی و ابو الحسین بصری قرار می‌دهد، مثلاً می‌گوید: «قال الشيخ أبو اسحاق والسید رحمهما الله»،<sup>۳</sup> و نیز می‌گوید: «ذهب إليه الشيخ أبو اسحاق - رحمه الله - واختاره أبو الحسين أيضاً»<sup>۴</sup>، و همیشه از او با کنیه «ابو اسحاق» یاد می‌کند، همچنین علمای شیعه به نقل آراء او اهتمام ورزیده‌اند،<sup>۵</sup> که دلالت بر مقام علمی والای ایشان دارد. علاوه بر این، ابن ابی الحدید نیز به شرح این کتاب در کنار شرح کتاب‌هایی مانند الذریعه سید مرتضی، و المحصل فخر رازی<sup>۶</sup> پرداخته که دلالت دیگری بر مقام و منزلت او دارد، و بالاخره با نگاهی به مطالب کتاب الیاقوت می‌توان به منزلت رفیع نویسنده آن پی برد.

### نام نویسنده الیاقوت:

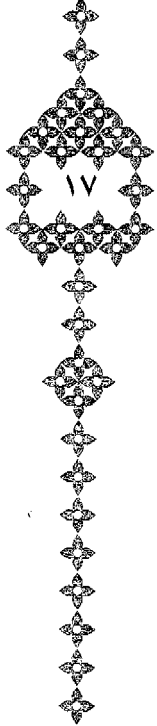
در این زمینه دو نظر اصلی وجود دارد:

#### نظر اول: ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت

تا جایی که می‌دانیم اولین کسی که این نظر را انتخاب کرد علامه حلی در مقدمه کتاب انوار الملکوت فی شرح الیاقوت است. عبارت ایشان که در سطور قبلی گذشت دال بر این مطلب بوده و شکی نیست که این نظر علامه است، به چند دلیل:

۱. علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه نقل می‌کند که ایشان در جبل عامل نسخه‌ای خطی از کتاب انوار الملکوت را دیده که تاریخ نوشتن آن سال ۷۳۲ بوده (سال وفات علامه حلی ۷۲۶ است) -

۱. پرفسور مادلونگ اظهار داشته که قدیمی‌ترین اشاره به الیاقوت - تا آنجا که می‌دانیم - در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (م ۶۵۶) است. و ارجاع داده به کتاب خاندان نوبختی (رک: شیعه در حدیث دیگران، ص ۲۵) تشیع امامیه و علم کلام معتزلی از آقای مادلونگ، ترجمه احمد آرام)، اما بعد از جستجوهای متعدد در شرح ابن ابی الحدید هیچ اشاره‌ای به کتاب الیاقوت نیافتیم. ۲. انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، ص ۲. ۳. همان، ص ۱۳۱. ۴. همان، ص ۱۳۸. ۵. رک: کشف المراد، ص ۳۹۸، ۲۹۶؛ ارشاد الطالبین، ص ۱۱۳؛ الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۱۷۵؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ مفتاح الکرامه، ج ۱۲، ص ۲۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۵؛ ج ۵۵، ص ۲۸۱؛ ریاض السالکین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ اسقاق الحق، ج ۳، ص ۴۴۷؛ تعلیقه علی منهج المقال از وحید بهبهانی، ص ۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۶۱؛ کتاب الطهاره، شیخ انصاری، ج ۲، ص ۳۵۲؛ تعلیقه علامه شعرانی بر شرح اصول کافی، ج ۸، ص ۳۶۸. ۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹-۱۸.



و در آن اسم «ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت» آمده است.<sup>۷</sup>

۲. آقای عباس اقبال آشتیانی در کتاب خاندان نوبختی یاد آور شده که او سه نسخه از کتاب انوار الملکوت را دیده و در همه آن نسخه‌ها اسم «ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت» آمده، و آن نسخه‌ها در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مجلس وجود دارد و نسخه‌ای که نزد میرزا شیخ الاسلام بود.<sup>۸</sup>

۳. علامه مجلسی قولی از نویسنده الیاقوت را نقل می‌کند و می‌گوید: «وقال الشيخ ابراهيم بن نوبخت في كتاب الياقوت»، و نیز می‌گوید: «وقال العلامة - رحمه الله - في شرحه ...». و این دال بر این است که در نسخه علامه مجلسی از انوار الملکوت نام «ابراهیم بن نوبخت» آمده است.<sup>۹</sup>

اما در مقابل این چند دلیل دال بر اینکه نام نویسنده از نظر علامه «ابراهیم» است، دو دلیل معارض وجود دارد:

۱. علامه سید محسن امین نقل می‌کند که نسخه‌ای از انوار الملکوت را در کتابخانه مجلس در تهران دیده است که نام نویسنده الیاقوت «اسماعیل بن اسحاق» به جای «ابراهیم» در آن آمده است، ولی ایشان اصرار بر این دارند که نام او ابراهیم، و این نسخه اشتباه است.<sup>۱۰</sup>

۲. سید حسن صدر در کتاب الشيعة وفنون الإسلام عبارت علامه حلی در مقدمه انوار الملکوت را بدون ذکر نام ابراهیم نقل می‌کند، یعنی عبارت علامه حلی را به این صورت می‌آورد: «لشيخنا الأقدم وإمامنا الأعظم أبي اسحاق بن نوبخت»،<sup>۱۱</sup> اما معلوم نیست که ایشان این عبارت را از نسخه‌ای که نزد خود بوده استخراج کرده یا این فقط یک استنباط شخصی است؛ زیرا ایشان خود قائل به این است که نام نویسنده الیاقوت «اسماعیل» - یعنی نظر دوم - است.

با توجه به این دو دسته از ادله می‌توان دسته اول را ترجیح دانست، به این دلیل که چهار نسخه خطی به عنوان مؤید وجود دارد، مخصوصاً نسخه اول که به خاطر قدمت آن از ارزش خاصی برخوردار است. زیرا فقط شش سال بعد از رحلت علامه حلی نوشته شده. و اگر نسخه علامه مجلسی غیر از آن چهار نسخه باشد، تعداد نسخه‌های مؤید به پنج نسخه می‌رسد. اما دسته دوم فقط یک نسخه بعنوان مؤید دارد و معلوم نیست که سید حسن صدر به نسخه دیگری دسترسی داشته باشد.

بنابراین، نظر علامه این خواهد بود که نام نویسنده الیاقوت «ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت» است. تعداد دیگری از علما این نظر - یعنی اینکه نام او ابراهیم است - را تأیید کرده‌اند، از جمله علامه مجلسی،<sup>۱۲</sup> محدث قمی،<sup>۱۳</sup> علامه سید محسن امین،<sup>۱۴</sup> و پروفیسور مادلونگ.<sup>۱۵</sup>

**نظر دوم: ابو اسحاق اسماعیل بن اسحاق بن نوبخت**

ظاهراً اولین کسی که این نظر را ابراز کرد میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء است<sup>۱۶</sup> و به تبع ایشان آقا بزرگ تهرانی<sup>۱۷</sup> و سید حسن صدر<sup>۱۸</sup> به این نظر تمایل داشته‌اند.

۷. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۰.
۸. خاندان نوبختی، ص ۱۶۷.
۹. بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۸۱.
۱۰. اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۳.
۱۱. الشيعة وفنون الإسلام، ص ۶۹.
۱۲. بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۸۱.
۱۳. الكنى والألقاب، ج ۱، ص ۹۴.
۱۴. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۱۱۰.
۱۵. شیعه در حدیث دیگران، ص ۲۵.
۱۶. الیاقوت، مقدمه مصحح، ص ۱۳.
۱۷. الذریعة، ج ۲۰، ص ۲۴۵.
۱۸. الشيعة وفنون الإسلام، ص ۶۹.



با توجه به این دو نظر در باره نام نویسنده الیاقوت می توان به دو دلیل نظر اول را ارجح دانست :

۱. تقدم زمانی علامه حلی - که به نظر اول اعتقاد داشت - بر صاحب ریاض العلماء - که به نظر دوم قائل بود ، و اینکه احتمال اشتباه علامه در شناختن نام نویسنده کتابی که خود شرحی بر آن نوشته بسیار کم است ، صحت نظر اول را تقویت می کند ، البته این دلیل تنها یک شاهد بوده و یک دلیل قطعی نیست .

۲. در پایان بحث بعدی خواهد آمد که نویسنده الیاقوت در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم به سر می برده ، در حالی که اسماعیل بن اسحاق حداقل دو قرن قبل از این تاریخ زندگی می کرده ؛ زیرا اسحاق - پدر او - در دربار هارون الرشید مشغول به خدمت بوده ،<sup>۱۹</sup> و هارون در اواخر قرن دوم از دنیا رفته ، بنابراین اسماعیل نمی تواند دو قرن بعد از آن زندگی کند .

#### نظر سوم : حسن بن حسین بن نوبخت

آقای یعقوب جعفری در مجله کلام اسلامی نویسنده را چنین معرفی می کند : «حسن بن حسین بن علی بن عباس بن اسماعیل بن ابی سهل بن نوبخت» که در سال ۴۰۲ در گذشته و شرح حال او در کتب تراجم آمده .<sup>۲۰</sup>

ولی ایشان در آن مجله ، دلیلی بر این نظر اقامه نکرده اند ؛ و به حسب ظاهر هیچ دلیل مساعدی بر آن نیست ، بلکه دلیل بر عکس آن وجود دارد که همان ادله نظر اول است .

بنابراین ، نظر اول صحیح می باشد و نام نویسنده الیاقوت «ابراهیم بن نوبخت» است .<sup>۲۱</sup>

#### زمان نویسنده الیاقوت :

درباره زمان زندگی او اختلاف نظر زیادی وجود دارد ، که خلاصه آنها بدین شرح است :

#### نظر اول : قرن سوم

میرزا عبدالله افندی زمان مؤلف را ذکر نکرده ، اما نام او را «اسماعیل بن اسحاق بن نوبخت» ذکر کرده است ؛<sup>۲۲</sup> و چون اسحاق بن نوبخت در قرن دوم به سر می برده ، بنابراین فرزند او اسماعیل باید در حدود قرن سوم بوده باشد .

اما دلیل روشنی بر این مدعا اقامه نشده است .

#### نظر دوم : نیمه اول قرن چهارم

آقای عباس اقبال آشتیانی ،<sup>۲۳</sup> علامه سید محسن امین<sup>۲۴</sup> و هانری کربن<sup>۲۵</sup> به این رأی تمایل داشته ند . آقای آشتیانی بر این نظر چند دلیل آورده است :

۱. در کتاب الیاقوت به بحث غیبت امام زمان ، اختلافات شیعه در این زمینه ، و اشکالات اهل

۱۹. همان .  
۲۰. مجله کلام اسلامی ، سال اول ، شماره دوم ، ص ۲۱ . «گزارشی از کتب کلامی علامه حلی» از یعقوب جعفری .  
۲۱. البته حضرت آیه الله مرعشی در شرح احقاق الحق نام او را چنین معرفی می نمایند : «ابن نوبخت ، هو فضل بن سهل بن نوبخت المکنی بابی العباس ، کان من مشاهیر متکلمی الإمامیة و وحید عصره فی حکمة الإشراف و الفلسفة و النجوم ، وله تألیف کثیرة فی الحکمة و الإمامة و النجوم ، توفي فی آخر المائة الثانية» که ظاهراً با کسی دیگر اشتباه گرفته شده .  
۲۲. الیاقوت ، مقدمه مصحح ، ص ۱۵ .  
۲۳. خاندان نوبختی ، ص ۱۶۷ .  
۲۴. اعیان الشیعه ، ج ۳ ، ص ۳۱۳ .  
۲۵. الیاقوت ، مقدمه مصحح ، ص ۱۶-۱۷ .

تسنن بر غیبت توجه شده،<sup>۲۶</sup> بنابراین نویسنده این کتاب نباید قبل از زمان غیبت و ظهور اختلافات شیعه زندگی می کرده، و چون اختلافات شیعه در نیمه اول قرن چهارم اتفاق افتاده، پس تاریخ کتابت این کتاب نمی تواند از این تاریخ قدیمی تر باشد.<sup>۲۷</sup>

ولی آقای آشتیانی دلیل روشنی بر اینکه اختلافات شیعه در نیمه اول قرن چهارم اتفاق افتاده بیان نکرده است، اما با چشم پوشی از اختلافات شیعه به علت عدم روشن بودن تاریخ آن می توان گفت با در نظر گرفتن توجه کتاب الیاقوت به بحث غیبت و اشکالات اهل تسنن بر آن، تاریخ نوشتن کتاب از نیمه دوم قرن سوم - یعنی تاریخ آغاز غیبت - نمی تواند قدیمی تر باشد.

۲. نویسنده الیاقوت به رد مهم ترین نظرات شخصی ابو الحسن اشعری - یعنی کسب،<sup>۲۸</sup> کلام نفسانی<sup>۲۹</sup> و قدم صفات<sup>۳۰</sup> - پرداخته است. و می دانیم اشعری پدید آورنده این افکار بوده، و قبل از او هیچ قائلی نداشته است؛ و چون اشعری متولد سال ۲۶۰ است و تا چهل سالگی در درس ابو علی جبائی حاضر بوده و بعد از آن از او جدا شده و مذهب اشعری را پایه ریزی کرده، بنابراین افکار خاص اشعری از نیمه اول قرن چهارم - یعنی از سال ۳۰۰ - آغاز و منتشر شده، پس نوشتن الیاقوت هم در آن تاریخ بوده است.<sup>۳۱</sup>

در باره این دلیل چند نکته به نظر می رسد:

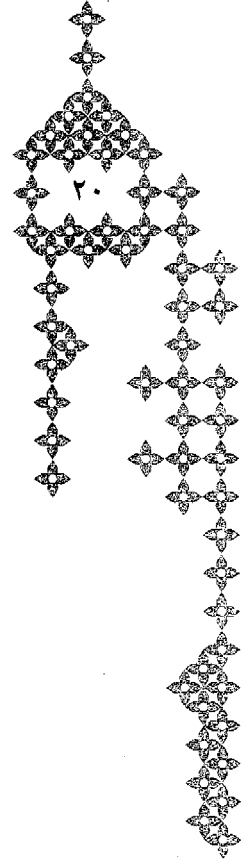
الف) در مورد بحث «کسب» این دلیل تام نیست؛ زیرا نمی توان ثابت کرد که کسب از عقاید ابداعی اشعری می باشد، و قبل از او قائلی نداشته، چون علامه حلی و ابن عودی - شارح دیگر الیاقوت - کسب را به نجار - که از متکلمین برجسته بود - نسبت داده اند،<sup>۳۲</sup> و نجار در حدود سال ۲۲۰ یعنی نیمه اول قرن سوم از دنیا رفته است،<sup>۳۳</sup> بنابراین احتمال می رود که نویسنده الیاقوت در هنگام رد نظریه کسب به نجار نظر داشته، نه به اشعری.

ب) در خصوص بحث «قدم صفات» این دلیل تام است؛ زیرا شیخ مفید تصریح می کند که قول به قدم صفات از مختصات ابو الحسن اشعری است:

وأحدث رجل من أهل البصرة يعرف بالأشعري قولاً خالف فيه ألفاظ جميع الموحدين ومعانيهم فيما وصفناه، وزعم أن لله عز وجل صفات قديمة وأنه لم يزل بمعان لا هي هو ولا غيره، من أجلها كان مستحقاً للوصف بأنه عالم حي قادر سميع بصير متكلم مريد، وزعم أن لله عز وجل وجهاً قديماً وسمماً قديماً وبصراً قديماً ويدين قديميتين، وأن هذه كلها أزلية قدماء، وهذا قول لم يسبقه إليه أحد من منتحلي التوحيد فضلاً عن أهل الإسلام.<sup>۳۴</sup>

البته آقای آشتیانی به این نظر شیخ مفید توجه داشت، ولی نکته جالب توجه این است که ذهبی در سیر اعلام النبلاء در ترجمه «الساجي» که از محدثین و از شیوخ اشعری بود می گوید: «وكان من أئمة الحديث، أخذ عنه أبو الحسن الأشعري مقالاً السلف في الصفات»،<sup>۳۵</sup> و این دال بر این است که

۲۶. الیاقوت فی علم الکلام، ص ۷۸.  
 ۲۷. خاندان نویختی، ص ۱۶۸.  
 ۲۸. الیاقوت، ص ۴۶.  
 ۲۹. همان، ص ۳۹.  
 ۳۰. همان، ص ۴۰.  
 ۳۱. خاندان نویختی، ص ۱۶۹-۱۶۸.  
 ۳۲. أنوار الملوکوت، ص ۱۱۰.  
 ۳۳. أرجوزة فی شرح الیاقوت فی علم الکلام، ص ۵۲۶.  
 ۳۴. الأعلام، ج ۲، ص ۲۵۳.  
 ۳۵. أوائل المقالات، ص ۵۱.  
 ۳۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۱۹۸.



قول به قدم صفات متقدم بر زمان اشعری و نیمه اول قرن چهارم است، اما در واقع نمی توان آن را نقضی بر دلیل دوم آشتیانی دانست؛ زیرا قول به قدم صفات تا قبل از اشعری در کتب کلامی شناخته شده نبود، و اشعری توانست آن را منتشر کند، به دلیل کلام شیخ مفید در این زمینه که دال بر این است که این قول تا قبل از اشعری یا قائلی نداشت و یا اگر داشته معروف نبود، بعلاوه شاید «الساجی» اشاره گذرانی به این بحث کرده و اشعری آن را پذیرفته و پرورش داده سپس منتشر کرده است، بنابراین نویسنده الیاقوت در اشکال او بر بحث قدم صفات قطعاً ناظر به اشعری بوده، و دلیل دوم آشتیانی از این جهت تمام است.

ج) اشکال دلیل این است: این دلیل تنها چیزی را که ثابت می کند این است که کتاب الیاقوت قبل از نیمه اول قرن چهارم - قبل از ظهور آراء اشعری - نوشته نشده، ولی دلالت بر این ندارد که نوشتن الیاقوت حتماً در نیمه اول قرن چهارم اتفاق افتاده؛ زیرا ممکن است در قرن های بعدی مانند قرن پنجم، ششم و یا هفتم اتفاق افتاده باشد، و مؤلف الیاقوت در آن قرن ها به نظرات اشعری توجه داشته است.

۳. در کتاب الیاقوت قول مشهور ابو بکر زکریای رازی در باره «لذت» مورد بحث قرار گرفته، که زکریای رازی متوفای سال ۳۲۰ یعنی نیمه اول قرن چهارم است، بنابراین نویسنده قبل از این تاریخ زندگی نمی کرده است.<sup>۳۶</sup>

اما این هم نمی تواند دلیل قانع کننده ای بر این باشد که نویسنده الیاقوت در نیمه اول قرن چهارم به سر می برده، چون ممکن است زکریای رازی در نیمه دوم قرن سوم به بحث در باره لذت پرداخته و این قول در آن زمان مشهور شده، علاوه بر این همان اشکال آخر دلیل قبلی هم وارد می شود؛ یعنی ممکن است نویسنده الیاقوت در قرن های بعدی به سر می برده، و در آن قرن ها به نظر رازی توجه داشته است.

**نتیجه:** نوشتن کتاب الیاقوت قبل از نیمه دوم قرن سوم نبوده، اما آیا بعد از آن اتفاق افتاده یا خیر، ادله آقای آشتیانی از اثبات یا نفی آن عاجزند.

نکته آخر این است که مرحوم آقابزرگ تهرانی در الذریعه به سه دلیل آقای آشتیانی اشاره می کند و احتمال می دهد که این مطالب - یعنی ذکر مطالبی از غیبت، نظرات اشعری، و لذت زکریای رازی - بعداً به کتاب الیاقوت افزوده شده،<sup>۳۷</sup> ولی همانطور که روشن است این احتمال بسیار ضعیف است.

### نظر سوم: قرن پنجم و یا دیرتر از آن

پروفسور ولفرد مادلونگ در مقاله «تشیع امامیه و علم کلام معتزلی» به این نظر توجه دارد. او معتقد است که کتاب الیاقوت در قرن پنجم و یا دیرتر از آن نوشته شده است.<sup>۳۸</sup> دلیل او بر این مطلب چنین است: عقایدی که از نوبختیان نقل شده - مخصوصاً عقایدی که شیخ مفید (م ۴۱۳) در اوائل المقالات

۳۶. خاندان نوبختی، ص ۱۷۰.  
۳۷. الذریعه، ج ۲۵، ص ۲۷۲.  
۳۸. شیعه در حدیث دیگران، ص ۱۱.



از آنان نقل کرده - با عقاید کلامی نویسنده الیاقوت همخوانی ندارد. بنابراین مقتضای این دلیل این است که شیخ مفید از نظرات الیاقوت آگاهی نداشته، و این عدم آگاهی ناشی از این است که الیاقوت در زمانی بعد از زمان شیخ مفید نوشته شده - قرن پنجم و یا بعد از آن - و نمی تواند قبل از آن باشد، در غیر این صورت شیخ مفید از آن آگاهی پیدا می کرد.

دلیل مادلونگ قابل توجه است، چون شیخ مفید در مقدمه أوائل المقالات تعهد کرده تا آراء نوبختیان را بیاورد.<sup>۳۹</sup> بنابراین اگر فردی از آنان با دیگر نوبختیان اختلاف نظر داشت حتماً به آن اشاره می کرد، همانطور که در نقل قول فرقه های مختلف مانند معتزله و اشاعره این کار را انجام داده است، اما می بینیم نویسنده الیاقوت با نوبختیان اختلاف نظر دارد؛ ولی شیخ مفید هیچ اشاره ای به آن نمی کند. بعنوان مثال: شیخ مفید از بنی نوبخت نقل می کند آنان منکر ظهور معجزات به دست ائمه علیهم السلام هستند،<sup>۴۰</sup> اما نویسنده الیاقوت قائل به جواز آن است،<sup>۴۱</sup> و شیخ مفید هیچ اشاره ای به آن نکرده، و این امر دلالت بر تاخر زمان کتاب از زمان شیخ مفید (م ۴۱۳) دارد.<sup>۴۲</sup>

#### نظر چهارم: میان نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن هفتم

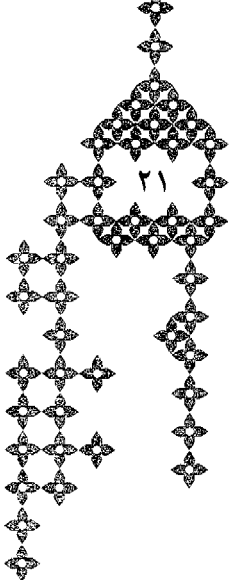
این نظر از جانب آقای علی اکبر ضیائی - مصحح کتاب الیاقوت - مطرح شده. ایشان معتقد است نویسنده کتاب بین سال های ۴۵۰ و ۶۵۰ زندگی می کرد،<sup>۴۳</sup> دلایلی که مطرح کرده، بدین شرح است:

۱. تفاوت آراء کلامی نوبختیانی که در کتاب های «أوائل المقالات» شیخ مفید،<sup>۴۴</sup> الذخیره سید مرتضی<sup>۴۵</sup> و تمهید الاصول شیخ طوسی<sup>۴۶</sup> ذکر شده با آنچه که در کتاب الیاقوت مطرح شده است. بنابراین کتاب بعد از سال ۴۶۰؛ یعنی بعد از رحلت شیخ طوسی نوشته شده است.<sup>۴۷</sup>

ولی باید بین عبارت شیخ مفید از یک طرف و سید مرتضی و شیخ طوسی از طرف دیگر فرق گذاشت؛ زیرا شیخ مفید وعده داد که همه عقاید کلامی بنی نوبخت (به صورت جمع) را بیان کند، که شامل نویسنده الیاقوت - بر فرض تقدم زمان او بر شیخ مفید - می شود، ولی عبارت سید مرتضی و شیخ طوسی «ابنا نوبخت» (به صورت تشبیه) بود، که ناظر به دو فرد از نوبختیان که از بقیه معروف ترند - ابو سهل اسماعیل بن نوبخت و ابو محمد بن نوبخت - می باشد،<sup>۴۸</sup> و این شامل ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت نویسنده الیاقوت نمی شود؛ بدین سبب، این دلیل فقط دلالت بر تأخر مؤلف از زمان شیخ مفید - نه سید مرتضی و شیخ طوسی - دارد.

۲. نویسنده الیاقوت قائل به این است که مناب حاجت ممکن به علت، امکان است،<sup>۴۹</sup> و خواجه طوسی در تلخیص المحصل این نظر را به متأخرین از متکلمین نسبت می دهد،<sup>۵۰</sup> بنابراین مؤلف کتاب، معاصر خواجه طوسی (م ۶۷۲) است.<sup>۵۱</sup>

اما باید توجه کرد که تعبیر «متأخرین» دلالت بر معاصر بودن ندارد، علاوه بر این می توان مورد



۳۹. أوائل المقالات، ص ۳۳.  
۴۰. همان، ص ۶۸.  
۴۱. الیاقوت، ص ۶۸.  
۴۲. زاینه اشمنیکه در کتاب خود (اندیشه های کلامی علامه حلی) نظر آقای مادلونگ را چنین بازگو می کند: «کتاب الیاقوت در دورانی قبل از قرن پنجم و حتی زودتر از آن نوشته شده است (اندیشه های کلامی علامه حلی، ص ۵۶، پاورقی ۲) اما این خلاف نظری است که از مقاله خود مادلونگ نقل کردیم، و چون کتاب خانم اشمنیکه به راهنمایی آقای مادلونگ نوشته شده (همان، ص ۱۳)، بنابراین احتمال می رود اشتباهی در ترجمه شده باشد.»  
۴۳. الیاقوت، مقدمه مصحح، ص ۱۷.  
۴۴. أوائل المقالات، ص ۶۸.  
۴۵. الذخیره فی علم الکلام، ص ۱۱۴.  
۴۶. تمهید الاصول فی علم الکلام، ص ۱۶۴.  
۴۷. الیاقوت، مقدمه مصحح، ص ۱۷.  
۴۸. نظریات علم الکلام عند الشیخ المفید، ص ۵۲-۵۱.  
۴۹. الیاقوت، ص ۳۷.  
۵۰. تلخیص المحصل، ص ۱۲۰.  
۵۱. الیاقوت، مقدمه مصحح، ص ۱۷.



نقضی را از کلام خواجه در خود کتاب تلخیص المحصل پیدا کرد، و آن این است که خواجه طوسی گفته: متأخرین از متکلمین قائلند به اینکه حکم به احتیاج حادث به محدث از بدیهیات است، و نیازمند استدلال به امکان نیست. ایشان می‌فرماید: «المتأخرون من المتکلمین یقولون: الحكم بأن کل محدث فلا بد له من محدث بدیهی غیر محتاج إلى الاستدلال بإمكانه علی احتیاجه إلى المحدث»،<sup>۵۲</sup> در حالی که نویسنده الیاقوت به امکان بر احتیاج حادث به محدث استدلال می‌کند و می‌گوید: «و ثبوت حدث یوجب ثبوت صانع لأنه ممکن فلا بد له من مؤثر».<sup>۵۳</sup> بنابراین مؤلف الیاقوت نباید از متأخرین باشد بر خلاف آنچه که آقای ضیائی می‌خواست اثبات کند.

۳. ابن ابی الحدید معتزلی (م ۶۵۶) الیاقوت را شرح کرد، پس نویسنده آن نباید بعد از زمان بوده باشد.<sup>۵۴</sup> در واقع این دلیل آنچه را اثبات می‌کند این است که این کتاب قبل از سال ۶۵۶ نوشته شده، اما دلالت ندارد بر اینکه خیلی پیشتر از این نوشته نشده باشد.

۴. مقایسه بین کتاب الیاقوت و المحصل فخر رازی (م ۶۰۶) کاشف از این است که چینش مسائل در الیاقوت از چینش المحصل تبعیت می‌کند؛ علاوه بر این، نویسنده الیاقوت به بعضی از نظرات فخر رازی متعرض شده و آنها را قبول یا رد کرده است.<sup>۵۵</sup>

اما این دلیل هم نمی‌تواند دلیل محکمی باشد؛ زیرا همانطور که ممکن است ابن نوبخت از فخر رازی تبعیت کرده باشد، عکس آن هم ممکن است، یا اینکه امکان دارد هر دو از کتاب سومی که به دست ما نرسیده تبعیت کرده باشند، اما در مورد نظرات فخر باید اول ثابت کرد این نظرات از ابداعات او بوده تا بتوان از ناظر بودن الیاقوت به المحصل سخن راند.

#### نظر پنجم: قرن هفتم

آقای پل کراوس نقل می‌کند که آقا محمد خان قزوینی به او شفاهاً گفته بود که ممکن است این کتاب در عهدی نه چندان دور از زمان شرح علامه تألیف شده باشد.<sup>۵۶</sup> این قول دلیلی ندارد و صرفاً یک ادعا است.

#### نظر برگزیده: میان نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم (۳۵۰-۴۵۰)

دلیل این مطلب بدین شرح است:

۱. با توجه به ذکر بحث غیبت و اشکالات اهل تسنن بر آن، این کتاب نمی‌تواند قبل از سال ۲۶۰؛ یعنی سال غیبت تألیف شده باشد.
۲. با توجه به پرداختن کتاب به مهم‌ترین عقاید کلامی ابو الحسن اشعری، که تا قبل از سال ۳۰۰ منتشر نشده، پس نوشتن کتاب قبل از آغاز قرن چهارم نبوده است.
۳. با توجه به عدم اشاره شیخ مفید (م ۴۱۳) به عقاید نویسنده الیاقوت در اوائل المقالات، کتاب

۵۲. تلخیص المحصل، ص ۲۴۲.  
 ۵۳. الیاقوت، ص ۳۸.  
 ۵۴. الیاقوت، مقدمه مصحح، ۱۷.  
 ۵۵. همان، ص ۱۸۱۷.  
 ۵۶. اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۵۶، پاورقی ۲.

حداقل تا قبل از اواخر قرن چهارم به رشته تحریر در نیامده؛ زیرا احتمال می‌رود که نویسنده الیاقوت معاصر شیخ مفید بوده و معمولاً به افراد هم عصر توجه چندانی نمی‌شود، اما اگر قبل از این تاریخ بوده احتمال عدم توجه شیخ مفید به او بسیار ضعیف می‌شود، مؤید این مطلب - اینکه کتاب در اواخر قرن چهارم نگاشته شده - اشاره مؤلف الیاقوت به دلیل ابو بکر باقلانی (م ۴۰۳) به معانی قدیم است،<sup>۵۷</sup> گرچه نویسنده الیاقوت اشاره نکرده که این دلیل از آن باقلانی است اما علامه حلی آن را به باقلانی نسبت داده، و اظهار داشته که این دلیل در تمهید الاوائل آمده.<sup>۵۸</sup> اگر اختصاص این دلیل به باقلانی ثابت شود می‌تواند دلیل بسیار محکمی بر عدم تقدم نوشتن الیاقوت بر اواخر قرن چهارم باشد، چون کتاب تمهید الاوائل در این زمان نوشته شده، پس الیاقوت نمی‌تواند قبل از آن بوده باشد.

۴. علامه حلی در مسأله ارجاع صفت اراده به علم می‌گوید:

فالذي ذهب إليه الشيخ أبو إسحق رحمه الله تعالى [مؤلف الياقوت] أن المراد به أنه عالم بما في الفعل من المصلحة الداعية إلى الإيجاد، وتبعه على ذلك أبو الحسين البصري فجعل الإرادة هي الداعي والداعي نوع من العلم.<sup>۵۹</sup>

ظاهر عبارت «وتبعه» اینکه کتاب الیاقوت حداقل بعد از ابو الحسین بصری که در سال ۴۳۶ - اوائل قرن پنجم - از دنیا رفته به رشته تحریر در نیامده است.

اما مادلونگ به این دلیل توجه داشته، و آن را مورد نقد قرار داد، و اظهار داشته که چندان محتمل به نظر نمی‌رسد که متکلم معتزلی معروف از نویسنده شیعی گمنامی پیروی کرده است.<sup>۶۰</sup>

ولی این اظهار نظر چندان درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا علمای متعددی در تاریخ به چشم می‌خورند که به درجات رفیع علمی رسیدند و از اساتیدشان پیشی گرفتند، و در عین حال که اساتیدشان بی نام و نشان بودند اما از آنان متأثر شدند، و با چشم پوشی از این جواب و قبول اشکال مادلونگ می‌توان گفت که عبارت «وتبعه» دال بر این است که تقدم زمانی ابن نوبخت بر ابو الحسین یا حداقل معاصر بودن با او، در ذهن علامه حلی مسلم بود، چه اثرپذیری ابو الحسین از ابن نوبخت درست باشد چه نادرست باشد، مگر اینکه کسی احتمال اشتباه علامه در تعیین زمان حیات ابن نوبخت را مطرح کند، که این احتمال ضعیفی است؛ زیرا از قرائن روشن است که در زمان علامه هیچ شکی در نام و یا زمان ابن نوبخت وجود نداشت و این بحث اساساً مطرح نبود، و این شک و تردید بعدها مطرح شد، به علاوه تقدم زمانی علامه و داشتن منابع فراوانی که به دست ما نرسیده از رجحیت نظر علامه را تقویت می‌کند.

۵. علامه حلی در مقایسه بین برخی از نظریات سید مرتضی (م ۴۳۶) و نویسنده الیاقوت می‌گوید: «أما السيد المرتضى فقد استدلل على مذهبه»، سپس می‌گوید: «وابطل الشيخ أبو إسحق (ره) ذلك»<sup>۶۱</sup>، ظاهر این عبارت این است که نویسنده الیاقوت قبل از زمان سید مرتضی - یعنی قبل از اواخر قرن

۵۷. الیاقوت، ص ۴۰.  
 ۵۸. انوار الملکوت، ص ۷۵، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، ص ۲۲۹.  
 ۵۹. انوار الملکوت، ص ۶۷.  
 ۶۰. شیعه در حدیث دیگران، ص ۲۵.  
 ۶۱. انوار الملکوت، ص ۱۶۵.

چهارم و اوائل قرن پنجم - نمی زیسته؛ زیرا می گوید که صاحب الیاقوت کلام سید را ابطال کرده، پس قبل از ایشان نبوده است.

بنابر این، بعد از گذر از اقوال متعدد در باره زمان نوشتن کتاب الیاقوت به این نتیجه رسیدیم که این کتاب در حوالی نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم نوشته شده، ولی بعد از این بحث باید به دنبال متکلمی از بنی نوبخت که نام او ابراهیم است و در این محدوده زمانی می زیسته بگردیم.

#### تعیین شخص نویسنده:

در این زمینه باز هم اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا چند نفر از بنی نوبخت نامشان «ابراهیم» است، که عبارتند از:

۱. ابراهیم نوبختی که شیخ طوسی نام او را در کتاب الغیبه در ضمن ذکر نام فرزندان او - احمد بن ابراهیم نوبختی - آورده؛<sup>۶۲</sup> ولی این شخص نمی تواند نویسنده الیاقوت باشد؛ زیرا همانطور که از کتاب الغیبه فهمیده می شود این شخص در زمان غیبت صغری زندگی می کرد، چون فرزند او احمد از معاصرین شیخ ابو القاسم نوبختی سفیر سوم غیبت صغری بود.

۲. ابراهیم بن جعفر بن احمد بن نوبخت: نام این شخص در اعیان الشیعه آمده،<sup>۶۳</sup> که او فرزند نوه ی ابراهیم نوبختی - که در شماره پیشین ذکر شده است - می باشد، علامه سید محسن امین در شرح حال او می گوید:

العالم المتکلم الفقیه، وکانت داره بالنوبختیه...

وهو من أهل المائة الرابعة في طبقة ابن عمته الشيخ أبي نصر هبة الله بن محمد ابن بنت أم كلثوم بنت الشيخ أبي جعفر العمري، وهما ممن روى عن الشيخ أبي القاسم الروحي، وجده أبو جعفر أحمد بن إبراهيم بن نوبخت.<sup>۶۴</sup>

اما این هم نمی تواند مؤلف الیاقوت باشد؛ زیرا او در نیمه اول قرن چهارم می زیسته، چون او از شاگردان شیخ ابو القاسم روحی نوبختی سفیر سوم غیبت صغری است که در نیمه اول قرن چهارم از دنیا رفته بود، بنابر این بعید به نظر می رسد که شیخ مفید از نظریات و کتاب او بی اطلاع باشد، و اشاره ای به آن در اوائل المقالات هنگام ذکر آراء کلامی بنی نوبخت نکرده باشد.

۳. مادلونگ احتمال می دهد که نویسنده الیاقوت ابراهیم نوبختی نامی است که عبد الجلیل رازی قزوینی در کتاب النقص (تألیف در حدود ۵۶۵) از او نام برده است.<sup>۶۵</sup>

اما هیچ دلیلی برای اثبات یا رد این نظر وجود ندارد؛ زیرا قزوینی هنگام ذکر نام او هیچ اشاره ای به زمان او نکرده، بلکه نویسنده کتاب ضد شیعی بعضی فضائح الروافض که کتاب النقص در جواب آن نوشته شده، نام ابراهیم نوبختی را در کنار ابو سهل نوبختی و شخصیت های بزرگ از متکلمین شیعه ذکر کرده و او را به زندیق وصف کرده است<sup>۶۶</sup> که نشان از شخصیت علمی و کلامی او است، و هیچ

۶۲. کتاب الغیبه، ص ۲۲۶-۲۲۹.  
۶۳. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۵.  
۶۴. همان.  
۶۵. شیعه در حدیث دیگران، ص ۲۵.  
۶۶. النقص، ص ۱۸۴.

یک از ابراهیم‌های خاندان نوبختی چنین خصوصیتی نداشته‌اند. بنابراین احتمال اتحاد این ابراهیم با ابراهیم نویسنده الیاقوت تقویت می‌شود، ولی به هر حال به قطعیت نمی‌رسد.

۴. ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت نوه ابو سهل اسماعیل بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت. محدث بزرگ شیخ عباس قمی به این نظر اعتقاد دارد.<sup>۶۷</sup>

ولی این قول باز هم قابل قبول نیست؛ زیرا در تاریخ آمده که پدر او یعنی ابو یعقوب اسحاق بن اسماعیل بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت از طرف «بحتری» شاعر معروف مورد مدح قرار گرفت،<sup>۶۸</sup> و از طرف دیگر بحتری متوفای سال ۲۸۳ است.<sup>۶۹</sup> بنابراین اسحاق پدر ابراهیم در قرن سوم می‌زیسته، و ابراهیم باید در نیمه اول و شاید دوم قرن چهارم زنده بوده. یعنی در طبقه شیوخ شیخ مفید مانند ابن قولویه (م ۳۶۸) و شیخ صدوق (م ۳۸۱). بنابراین نباید شیخ مفید از کتاب این ابراهیم ناآگاه بوده باشد.

پس ظاهراً هیچ کس از افراد نوبختی که نام ابراهیم داشتند و در تاریخ اسمشان آمده نمی‌تواند مؤلف الیاقوت باشند، و ما باید این جستجو را ادامه دهیم.

**نتیجه بحث:** حاصل این بحث پریچ و خم اینکه نام نویسنده الیاقوت ابراهیم بن نوبخت است که بین نیمه دوم قرن چهارم و اول قرن پنجم می‌زیسته، ولی موفق نشدیم شخصی با این مشخصات پیدا کنیم، البته این امر نیازمند تتبع بیشتری است؛ زیرا «عدم الوجدان لا يدل علی عدم الوجود».

### کتاب‌های ابراهیم بن نوبخت مؤلف الیاقوت:

به احتمال زیاد دانشمندی همچون ابراهیم بن نوبخت کتاب‌های متعددی را به رشته تحریر در آورده، اما متأسفانه فقط از نام دو کتاب از کتاب‌های او اطلاع داریم که تنها یکی از آنها به دست ما رسیده، این کتاب‌ها عبارتند از:

۱. **کتاب الابتهاج:** این کتاب همانطور که از عنوان آن مشخص است، درباره بحث لذت خداوند می‌باشد، و خود مؤلف در کتاب دیگرش الیاقوت هنگام بحث لذت به این کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «وهذه المسألة سطرنا فيها كتاباً منفرداً وسميناه بكتاب الابتهاج». ولی این کتاب در زمان علامه حلّی مفقود بوده، و علامه اظهار داشته که به دست او نرسیده است.<sup>۷۱</sup> و آقا بزرگ تهرانی اسم این کتاب را چنین ذکر کرده: «الابتهاج في إثبات اللذة العقلية لله تعالى». ولی در واقع این اضافه توضیحی از آقا بزرگ می‌باشد زیرا ایشان منبعی برای آشنائی با این کتاب غیر از کتاب الیاقوت نداشتند.

در این کتاب همانطور که از آنچه در الیاقوت آمده به دست می‌آید، ابن نوبخت قائل به مبتهاج و ملتذ بودن خداوند است که از علم او به کمال اعظم خودش ناشی می‌شود، به دلیل اینکه هر یک از ماهنگام

۶۷. الکافی والألقاب، ج ۱، ص ۹۴.  
۶۸. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۹۴.  
۶۹. خاندان نوبختی، ص ۱۸۳.  
۷۰. الیاقوت، ص ۴۴.  
۷۱. أنوار الملکوت، ص ۱۰۴.  
۷۲. الذریعة، ج ۱، ص ۶۲.

علم به کمال ناقص خود مان ملتذ می شویم. بنابراین اگر کمال نامتناهی باشد حتماً التذاذ صورت می گیرد، و ناشی بودن لذت آدمی از اعتدال مزاج موجب نفی آن از خداوند به علت تنزه او از مزاج نمی شود؛ زیرا ممکن است یک چیز بیشتر از یک علت داشته باشد. بنابراین ممکن است علت لذت انسان ها یک چیز باشد که آن اعتدال مزاج است. ولی علت آن در خداوند چیز دیگری است و آن علم به کمال اعظم است. از طرف دیگر قائل به ملتذ بودن خداوند نمی گوید او ملتذ به خلق یک مخلوق می شود تا قدم لذت مستلزم قدم آن مخلوق شود و اشکال قدم عالم پیش آید، بلکه مراد اینکه خداوند بذاته ملتذ است نه به چیزی خارج از خود. این خلاصه مطالب بحث «لذت» در الیاقوت<sup>۷۳</sup> است که نویسنده تفصیل آن را به الابتهاج موکول کرده است.

۲. کتاب الیاقوت فی علم الکلام: این کتاب یک دوره فشرده، اما کامل کلامی است که مؤلف آن به مهم ترین مطالب کلامی با عبارات مختصر پرداخته. این کتاب بعد از زمان علامه حلی مورد توجه خاص دانشمندان شیعه قرار گرفت، و حتی در کتاب های فقهی به این کتاب ارجاع شده است.<sup>۷۴</sup> در باره کتاب الیاقوت چند بحث وجود دارد:

#### اول: نام کتاب

در مورد نام کتاب اختلاف وجود دارد، نام اول الیاقوت است که بسیاری از علماء و نویسندگان این اسم را انتخاب کرده اند، و نام دیگر فص الیاقوت<sup>۷۵</sup> است؛ ولی ظاهراً این نام شرح ابن ابی الحدید معتزلی بر کتاب الیاقوت است که آن شرح را فص الیاقوت نامید. دلیل این مطلب این است که مرحوم افندی در ریاض العلماء هنگام ذکر شرح ابن ابی الحدید بر الیاقوت گوید: «فی البال انھا تسمى: فص الیاقوت»<sup>۷۶</sup> بنابراین ارجح آن است که نام کتاب الیاقوت است.

#### دوم: شرح ها:

چند شرح بر این کتاب نوشته شده، و در کتاب إشراق اللاهوت که خود شرحی است بر أنوار الملکوت اشاره به وجود چند شرح بر الیاقوت شده، و در این کتاب مطلبی از یکی از این شرح ها نقل شده، و مورد نقد قرار گرفته؛<sup>۷۷</sup> ولی ما فقط از سه شرح اطلاع داریم، که عبارتند از:

الف) فص الیاقوت: از ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه،<sup>۷۸</sup> نام این شرح همان طور که در بالا گذشت از کتاب ریاض العلماء گرفته شد، و این شرح به دست ما نرسیده است.

ب) أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت: از علامه حلی که در سال ۶۸۴ نوشتن آن به پایان رسیده است. این شرح محفوظ مانده و به همت آقای محمد نجمی زنجانی با اشتباهات بسیار تصحیح، و در سال ۱۳۳۸ ش منتشر شد؛ ولی بخش آخر آن به عللی نامعلوم حذف شده و به چاپ نرسیده است. اما آقای یعقوب جعفری آن بخش را در مجله کلام اسلامی به چاپ رساند.<sup>۷۹</sup> شایسته ذکر است

۷۳. الیاقوت، ص ۴۴.  
۷۴. رک: بی نوشت شماره ۵.  
۷۵. أمل الآمل، ج ۲، ص ۸۳.  
۷۶. الذریعه، ج ۲۵، ص ۲۷۲.  
۷۷. متن عبارت بدین شرح است: «وقال بعض شارحي هذا الكتاب في تفسير قول المصنف: إن حل فيه لم يعقل... إلخ»؛ إشراق اللاهوت في نقد شرح الیاقوت، ص ۲۳۶.  
۷۸. الذریعه، ج ۲۵، ص ۲۷۲.  
۷۹. مجله کلام اسلامی، سال اول، شماره دوم، «گزارشی از کتب کلامی علامه».

که آقای علی اکبر ضیائی کتاب أنوار الملکوت را دوباره تصحیح کرده<sup>۸۰</sup> که امیدواریم هر چه زودتر به چاپ برسد و کاستی‌های تصحیح قبلی را جبران کند.

علامه در این شرح به مطالب الیاقوت اکتفا نکرده بلکه مطالبی بر آن افزوده است، همچنین در بعضی موارد به مصنف ایراداتی وارد کرده و به بیان نظر خود پرداخته است.

سید عمید الدین ابو عبد الله عبد المطلب بن مجد الدین الحسینی العبدلی (م ۷۵۴) بر این شرح شرحی با عنوان إشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت نوشت. او با آوردن تقریباً همه متن أنوار الملکوت به شرح آن پرداخت، که در برخی موارد به تفصیل بحث، و در موارد دیگر به شرح مختصری بسنده کرده، و در موارد فراوانی به نظر خواجه طوسی و فخر رازی پرداخته است.

ج) **ارجوزة فی شرح الیاقوت فی علم الکلام**: از شیخ شهاب الدین اسماعیل بن عودی اسدی حلی. این شرح مطالب الیاقوت را به صورت منظوم در آورده، و به کوشش آقای محمد رضا انصاری قمی - با اشتباهات چاپی و غیر چاپی فراوان، مخصوصاً در اعراب گذاری - تصحیح و در میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم، ص ۵۱۳-۵۳۳ در سال ۱۳۷۷ ش به چاپ رسیده است.

ابن عودی ارجوزه خود را در ۳۲۶ بیت تنظیم کرده است، در واقع او در سرتاسر ارجوزه هیچ اشاره‌ای به نام الیاقوت و یا نویسنده آن نکرده، و تنها دلیل داخلی که بر ارتباط ارجوزه با کتاب الیاقوت می‌توان یافت همان تطبیق دادن اشعار آن با مطالب کتاب الیاقوت است؛<sup>۸۱</sup> زیرا ابن عودی عیناً همان ترتیب کتاب را آورده است، و گاهی اوقات عین عبارت الیاقوت را ذکر می‌کند، مثلاً در بحث مبتهج بودن خداوند، ابن نوبخت می‌گوید: «دقیقة: والمؤثر مبتهج بالذات... الخ»<sup>۸۲</sup>، و ابن عودی می‌سراید:

دقیقة: الصانع الحکیم مبتهج لانه علیم<sup>۸۳</sup>

در اینجا دیده می‌شود کلمه «دقیقة» عیناً در الیاقوت و ارجوزه آمده است.

ابن عودی از نظم بخش‌های اعتراضات الیاقوت صرف نظر کرده، و به شخصیت‌هایی از جمله ابن سینا، فخر رازی و ابن محفوظ اشاره می‌کند.

درباره لقب و زمان سراینده این ارجوزه اختلاف نظر وجود دارد، و مصحح محترم ارجوزه لقب «اسدی حلی» را به جای «عاملی جزینی» ارجح دانسته، و احتمال معاصر بودن ابن عودی با ابن شهر آشوب (م ۵۸۰) را قوی دانسته است.<sup>۸۴</sup>

این بودگزارشی از شرح‌های الیاقوت. اما آقای عبد الله نعمه در فلاسفة الشيعة بعد از اشاره به شرح‌های ابن ابی الحدید و علامه و ارجوزه و حتی شرح عمید الدین عبیدلی بر أنوار الملکوت، گزارشی از وجود شرحی بر الیاقوت از نویسنده‌ای نامعلوم خبر می‌دهد و می‌گوید: «وفي مكتبة الحسينية الشوشترية في النجف كتاب شرح الیاقوت، مخطوطة سنة ۷۸۷، ولا أعرف لمن هو».<sup>۸۵</sup> با

۸۰. الیاقوت، مقدمه مصحح، ص ۲۰.  
۸۱. میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم، ص ۵۱۷.  
۸۲. الیاقوت، ص ۴۴.  
۸۳. میراث اسلامی ایران، ص ۵۲۵.  
۸۴. همان، ص ۵۱۷-۵۱۵.  
۸۵. فلاسفة الشيعة، حیاتهم وآراءهم، ص ۱۸۰.

توجه به اطلاع آقای نعمه از شرح علامه وارجوزه، آن شرح یا فص الیاقوت ابن ابی الحدید است و یا شرح چهارمی که از دید فهرست نویسان مخفی مانده است. شایسته ذکر است که در معجم التراث الکلامی گزارشی از وجود نسخه‌ای خطی از شرح أنوار الملکوت علامه در کتابخانه حسینیّه شوشتریّه نقل شده،<sup>۸۶</sup> اما تاریخ این نسخه سال ۹۸۹ ذکر شده که با سال نسخه‌ای که آقای نعمه دیده تفاوت دارد، و شاید نسخه‌ای دیگر باشد.

### سوم: ترتیب مطالب کتاب

نیمه اول کتاب از ترتیب و انسجام خوبی برخوردار است، اما در نیمه دوم بی‌نظمی بر کتاب حاکم می‌شود؛ زیرا بعد از تمام شدن بحث توحید و عدل دوباره نویسنده به بحث‌هایی در باره علم و قدرت و حیات می‌پردازد، همچنین بعد از تمام شدن بحث وعد و وعید و ورود به بحث نبوت، این بحث را قطع می‌کند و وارد بحث‌هایی از قبیل اعاده و بقاء جواهر می‌شود، سپس به بحث نبوت باز می‌گردد و بحث عصمت انبیاء را پیش می‌کشد. ظاهراً دلیل این مطلب آن است که کتاب در فاصله‌های زمانی متفاوتی نوشته شده. شاهد این مطلب قول خود ابن نوبخت در بعضی از مباحثی که فراموش کرده در جای خودش بیاورد می‌باشد، او می‌گوید: «نکت فی التوحید اغفلناها فی بابها»؛<sup>۸۷</sup> یعنی این نکات را فراموش کرده در جای خود بیاورد، و به همین خاطر آنها را در غیر محل مخصوص خودش آورده است.

### چهارم: نسخه چاپ شده الیاقوت

الیاقوت با تصحیح آقای علی اکبر ضیائی که از دو نسخه خطی استفاده کرده در سال ۱۴۱۳ق به چاپ رسید، اما - باز هم مانند أنوار الملکوت - به علتی نامعلوم بخش آخر کتاب - یعنی بخش: «فی أحوال المخالفین» - حذف شده، که شایسته بود دقت بیشتری به عمل آید. آن بخش حذف شده در اشراق اللاهوت - که اتفاقاً آن هم به کوشش آقای ضیائی تصحیح شده - چاپ شده است.<sup>۸۸</sup>

### مهم‌ترین مطالب کتاب:

مهم‌ترین عقاید کلامی ابن نوبخت چنین است:

۱. نظریه تولید: او به نظریه تولید اعتقاد داشت، و قائل بود به اینکه نظر مولد علم است؛<sup>۸۹</sup>
۲. اثبات جزء لا یتجزی یا جوهر فرد؛<sup>۹۰</sup>
۳. جواز خلو اجسام از طعم و رنگ و مزه: معتزله در این مسأله اتفاق نظر دارند، و اشاعره با این نظر مخالفت کردند؛<sup>۹۱</sup>
۴. ضرورت وجود خلاء: به تبع همه متکلمین قائل به ضرورت وجود خلاء شد؛<sup>۹۲</sup>

۸۶. معجم التراث الکلامی، ج ۱، ص ۵۲۴.

۸۷. الیاقوت، ص ۵۷.

۸۸. اشراق اللاهوت، ص ۵۲۶.

۵. حدوث عالم: یکی دیگر از عقاید او حدوث اجسام می باشد که مساوی با حدوث عالم است، و دلیلی که متکلمین ذکر می کنند را بعد از بر طرف کردن نقاط ضعف مطرح کرد؛<sup>۹۳</sup>
۶. عدم وجوب ابدیت عالم بر خلاف فلاسفه؛<sup>۹۴</sup>
۷. وجود هر چیز عین ماهیت اوست؛<sup>۹۵</sup>
۸. اراده یعنی علم به داعی که همان مصلحت است؛<sup>۹۶</sup>
۹. متکلم یعنی فاعل کلام است، و کلام نفسی اشاعره را باطل می داند؛<sup>۹۷</sup>
۱۰. بطلان قول بمعانی قدیم، بر خلاف اشاعره؛<sup>۹۸</sup>
۱۱. استحاله رؤیت بر خداوند، بر خلاف اشاعره و مجسمه؛<sup>۹۹</sup>
۱۲. خداوند مبتهج بالذات است: ابن نوبخت در این مسأله با فلاسفه همراهی می کند و با همه متکلمین مخالف است؛<sup>۱۰۰</sup>
۱۳. حسن و قبح عقلی، بر خلاف اشاعره؛<sup>۱۰۱</sup>
۱۴. بطلان کسب اشعری؛<sup>۱۰۲</sup>
۱۵. بطلان نظریه احباط، بر خلاف اکثر معتزله؛<sup>۱۰۳</sup>

۱۶. ایمان عبارت از تصدیق است، بنابراین اگر مؤمن مرتکب گناهی شد فاسق می شود، اما از ایمان خارج نمی شود.<sup>۱۰۴</sup>

در پایان امیدواریم گامی در معرفی این شخصیت بزرگ نوبختی برداشته باشیم، گرچه این پایان راه نیست و ممکن است در آینده به نکاتی بیشتر در باره شخصیت ابراهیم بن نوبخت دست یابیم.

۸۹. الیاقوت، ص ۲۹.
۹۰. همان، ص ۳۰.
۹۱. همان، ص ۳۱؛ أنوار
- الملکوت، ص ۲۱.
۹۲. الیاقوت، ص ۳۱.
۹۳. همان، ص ۳۳؛ أنوار
- الملکوت، ص ۲۹.
۹۴. الیاقوت، ص ۳۵.
۹۵. همان، ص ۳۷.
۹۶. همان، ص ۳۹.
۹۷. همان.
۹۸. همان، ص ۴۰.
۹۹. همان، ص ۴۱.
۱۰۰. همان، ص ۴۴؛ أنوار
- الملکوت، ص ۱۰۲.
۱۰۱. الیاقوت، ص ۴۵.
۱۰۲. همان، ص ۴۶.
۱۰۳. همان، ص ۶۳.
۱۰۴. همان، ص ۶۵.

## کتابنامه

- شیعه در حدیث دیگران، زیر نظر دکتر مهدی محقق، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۶۲، ناشر: دفتر دائرة المعارف تشیع بنیاد اسلامی طاهر.
- علامه حلی، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، مصحح محمد نجمی، انتشارات الرضی - انتشارات بیدار، چاپ دوم ۱۳۶۳ ش.
- علامه سید محسن امین، أعیان الشیعة، تصحیح حسن امین، انتشارات دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان.
- عباس اقبال آشتیانی، خاندان نوبختی، طهران - مطبعة مجلس، ۱۳۱۱ ش.
- علامه مجلسی، بحار الأنوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت - لبنان، چاپ دوم، تصحیح شده، ۱۴۰۳ ق.
- سید حسن صدر، الشیعة وفنون الإسلام، با مقدمه دکتر سلیمان دنیا.
- شیخ عباس قمی، الکنی والألقاب، انتشارات مكتبة الصدر - تهران، با مقدمه محمد هادی امینی.
- مجله «کلام اسلامی»، سال اول، شماره دوم.
- ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، الیاقوت فی علم الکلام، تصحیح علی اکبر ضیائی، انتشارات مكتبة آية الله المرعشي - قم المقدسه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- ابن عودی، أرجوزة فی شرح الیاقوت فی علم الکلام، به کوشش محمدرضا انصاری قمی (ضمن مجموعه میراث اسلامی ایران، به کوشش: رسول جعفریان، ناشر: کتابخانه بزرگ آیه الله مرعشی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، دفتر هشتم)، ۵۲۶ ص.
- زرکلی، الأعلام، انتشارات دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، چاپ پنجم، ۱۹۸۰ م.
- شیخ مفید، أوائل المقالات، تصحیح ابراهیم انصاری، انتشارات دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، اشراف و تخریج شعیب الارنؤوط، تحقیق حسین الأسد، انتشارات مؤسسة الرسالة - بیروت - لبنان، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق.
- دکتر زابینه اشمیتکه، اندیشه های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- سیدمرتضی، الذخیرة فی علم الکلام، تصحیح سید احمد حسینی، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
- شیخ طوسی، تمهید الأصول فی علم الکلام، تصحیح عبد الحسین مشکوة الدینی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
- مارتن مکدر موت، نظریات علم الکلام عند الشیخ المفید، ترجمه علی هاشم، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- خواجه نصیر الدین طوسی، تلخیص المحصل، انتشارات دار الاضواء، بیروت - لبنان، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق - ۱۹۸۵ م.
- باقلانی، تمهید الأوائل وتلخیص الدلائل، تصحیح شیخ عماد الدین احمد حیدر، انتشارات مؤسسة الكتب الثقافية، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق - ۱۹۹۳ م.
- شیخ طوسی، کتاب الغيبة، انتشارات مكتبة نینوی الحديثة - طهران - ناصر خسرو - مروی.
- قزوینی رازی، النقض، تصحیح استاد جلال الدین محدث، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
- شیخ حر عاملی، أمل الآمل، تصحیح سید احمد حسینی، انتشارات مكتبة الاندلس - بغداد.
- عمید الدین العیدلی، إشراف اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت، تصحیح علی اکبر ضیائی، ناشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ش.
- عبد الله نعمة، فلاسفة الشيعة، حیاتهم وآراؤهم، دار الكتاب الإسلامي، قم - ایران، چاپ اول، ۱۹۸۷ م.
- معجم التراث الکلامی، تألیف اللجنة العلمية فی مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، بإشراف الشیخ السبحانی، ناشر مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
- ابن ابی الحدید (م ۶۵۶)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء کتب عربی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق - ۱۹۵۹ م، بیروت.
- مدنی شیرازی، سید علی خان (م ۱۱۲۰)، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین (علیه السلام)، تحقیق سید محسن امین، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ چهارم، محرم ۱۴۱۵ ق، قم.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۶۲۷)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق حسن حسن زاده آملی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ هفتم، ۱۴۱۷ ق، قم.
- مازندرانی، ملا صالح (م ۱۰۸۱)، شرح أصول الکافی، تحقیق سید علی عاشور با تعلیقات علامه میرزا ابوالحسن شعرانی (م ۳۹۳ ق)، دار احیاء التراث عربی، چاپ اول، ۱۲۴۱ ق - ۲۰۰۰ م، بیروت.